

ISSN (Online): 2783-4255

Research Paper

The Effect of Teaching Philosophical Stories on the Spirit of Research and Self-Directed Learning of Second Year Elementary School Students

Ahmad Reza Owji Nejad¹, Fateme Mardane², Maryam Soltani^{3*}

1- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

2- M.A in Curriculum Planning, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

3- M.A in Educational Research, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Morvdasht, Iran.

Received: 1401/07/03

Accepted: 1401/10/10

PP:30- 41

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/ee.2023.1968347.11
32

Keywords:

Philosophical Stories, Spirit of Research, Self-Directed Learning, Students

Abstract

Introduction: The aim of the present research was the effect of teaching philosophical stories on the spirit of research and self-directed learning of second year elementary school students.

research methodology: The research method was semi-experimental with a pre-test and post-test design with a control group. The statistical population of this research included all students of the second year of elementary school in Morvdasht city. For the sample size, 50 students were selected using the purposeful sampling method and were replaced in two experimental groups (25 people) and control (25 people) and were measured with two questionnaires of Shirzad's research spirit and the self-directed learning questionnaire of Fisher et al. The collected data were analyzed at two levels (descriptive statistics and inferential statistics). At the level of statistics, mean and standard deviation were used, and at the level of inferential statistics, covariance analysis methods were used.

Findings: There is a significant difference between the research spirit of the experimental and control groups in the post-test stage, and there is a significant difference between the self-directed learning of the experimental and control groups in the post-test stage.

Conclusion: The results showed that teaching philosophical stories and research spirit of students has a significant effect. Teaching philosophical stories and self-learning has a significant effect for students.

Citation: Ojinejad, A, Mardaneh, F., Soltani, M. (2023). The Effect of Teaching Philosophical Stories on the Spirit of Research and Self-Directed Learning of Second Year Elementary School Students. Journal of Transcendent Education, Vol 2, No 4, Winter, 2023, Pp 30-41

Corresponding Author: Maryam soltani

Address: M.A in Educational Research, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Morvdasht, Iran.

Email: behan1396ali@gmail.com

شاپا الکترونیکی: 4255-2783

مقاله پژوهشی

تاثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشگری و یادگیری خودراهبر

دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی

احمد رضا اوجی نژاد¹، فاطمه مردانه²، مریم سلطانی^{3*}

1- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

2- دانشجوی دوره کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

3- دانشجوی دوره کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: هدف از پژوهش حاضر تأثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشگری و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی بود.

روش شناسی پژوهش: روش پژوهش از نوع نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه گواه بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی شهر مرودشت بود. برای حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۵۰ دانش‌آموز انتخاب و در دو گروه آزمایش (۲۵ نفر) و کنترل (۲۵ نفر) جایگزین شدند و با دو پرسشنامه روحیه پژوهشی شیرزاد و پرسشنامه یادگیری خودراهبر فیشر و همکاران مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از روش‌های تحلیل کوواریانس استفاده شد.

یافته‌ها: بین میزان روحیه پژوهشی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد و بین میزان یادگیری خودراهبر گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد و آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد.

تاریخ دریافت: 1401/07/03

تاریخ پذیرش: 1401/10/10

شماره صفحات: 31-41

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/ee.2023.1968347.1
132

واژه‌های کلیدی: داستان‌های فلسفی، روحیه پژوهشگری، یادگیری خودراهبر، دانش‌آموزان

استناد: اوجی نژاد، احمد رضا، مردانه، فاطمه و سلطانی، مریم. (1401). تاثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشگری و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی. فصلنامه آموزش و پرورش متعالی، دوره دوم شماره 4، شماره صفحات 30-41

* نویسنده مسئول: مریم سلطانی

نشانی: دانشجوی دوره کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

پست الکترونیکی: behan1396ali@gmail.com

مقدمه

رشد و تحول سریع و روز افزون فناوری و سبقت‌گیری کشورها در تولید دانش و فنون نوین و نهایتاً ایجاد فضای فیزیکی، روانی، اجتماعی و اقتصادی بهتر و با کیفیت بیشتر به منظور دستیابی به زندگی بهتر، کسب اقتدار در عرصه‌های بین‌المللی، ضرورت پژوهش دانش‌آموختگان واجد سازمان‌شناختی - عاطفی - خلاق، نوآور و پژوهشگر را برای نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور، اضطرابی کرده است (mehrnejad & sharifi, 2014).

آنچه توجه به پژوهش را بیش از پیش ضروری می‌سازد نیاز به آینده‌نگری است، سرعت تغییرات اجتماعی و فناوری، حجم وسیع و روزافزون و مهارت‌گسیخته اطلاعات، سبقت‌جویی ملل در کسب درآمد ارزی و بالا بردن رفاه اجتماعی، برنامه‌ریزان کشور را وادار می‌سازد تا در جهت به دست آوردن تصویری وسیع، پربار و دقیق از آینده کوشش همه‌جانبه به کار گیرند و برای تحقق آن به شعله‌های بینش درونی خلاقیت و پژوهشگری نیاز دارند. در واقع نیاز پژوهش به علت مواجهه جوامع بشری با مسائل ناهمگون و فزاینده، وابستگی متقابل بین کشورها، تحلیل رفتن منابع طبیعی، سرعت فزاینده تغییرات و مسائل متعدد دیگر، اجتناب‌ناپذیر است (Torrance, 1985; Quoted by Gulshan Abai, 2013).

از سوی دیگر یکی از مفاهیم مهم در یادگیری، مفهوم یادگیری خودراهبر است که در چند دهه اخیر، به یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش مبدل شده است. تئوری یادگیری خودراهبر به طور روزافزون در زمینه آموزش به کار رفته است.

یادگیرندگان خودراهبر، مسئول فرایند یادگیری خود هستند؛ یعنی خواه ناخواه یادگیری خودراهبر وابسته به کسی است که مسئولیت یادگیری را بر عهده دارد و فرد مسئول، شخصی است که باید یاد بگیرد چگونه از روش‌ها و منابع آموزشی استفاده کند و تلاش‌های خود را اندازه‌گیری نماید. این قبیل افراد از مهارت‌های لازم برای دسترسی و پردازش اطلاعات مورد نیاز خود برای مقصود و هدفی خاص برخوردارند. از آنجا که دانش‌آموزان، در عصر اطلاعات زندگی می‌کنند و از ابعاد مختلف، نه تنها سواد عمومی اطلاعات شامل خواندن، نوشتن و حساب کردن و سواد تکنولوژی اطلاعات نیاز دارند؛ بلکه به سواد اطلاعاتی نیز نیازمند هستند.

یکی از مداخلات مهم در مورد دانش‌آموزان که به عنوان یک کلید طلایی می‌تواند به ارتقای روحیه پژوهشی و افزایش یادگیری خودراهبر کمک کند، آموزش فلسفه به کودکان با استفاده از داستان‌های فلسفی است. لیپمن با طراحی و اجرای برنامه‌ای با عنوان فلسفه برای کودکان به اختصار "آموزش فلسفه به کودکان" می‌نامد، تلاش نمود تا فلسفه را به جایگاه واقعی خویش آنگونه که سقراط مد نظر داشت بازگرداند. به نظر او فلسفه ویژه بزرگسالان نیست و کودکان نیز می‌توانند آن را انجام دهند. او فلسفه را در معنای فلسفیدن به کاربرد، کاری که کودکان می‌توانند آن را انجام دهند و به طور ذاتی مستعد انجام آن هستند (Qaidi, 2014). برنامه آموزش تفکر فلسفی به کودکان، هدف‌های شناختی روشنی دارد؛ ذهن را وادار به عمل می‌کند و این کار را از طریق چالش‌ها، برنامه فلسفه برای کودکان یک روش موفق در آموزش تفکر است. تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌دهد.

محتوا، اغلب به صورت داستان است زیرا کودک خود را با شخصیت‌های داستانی مقایسه می‌کند. این کار بیشتر به صورت عقلانی و فکری صورت می‌گیرد و کمتر هیجانی معنی است. کودکان با توجه به سبک و شخصیت‌های داستان صحبت و فکر می‌کنند. در داستان‌ها از زبانی استفاده می‌شود که به زبان واقعی کودک شباهت دارد و مطابق با مراحل رشد شناختی کودک است. مطالعات نشان می‌دهد کودکان به دلیل داشتن ویژگی‌ها و تمایلات خاص روحی، بیش از بزرگترها به قصه علاقه دارند و به همان نسبت زودتر و بیشتر ماجراهای آن را باور می‌کنند و عمیق‌تر تحت تأثیر موضوع و شخصیت‌های داستانی قرار می‌گیرند. با توجه به آنچه گفته شد این تحقیق در صدد بررسی تأثیر آموزش داستان‌های فلسفی و روحیه پژوهشگری و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی برآمده است.

مهم‌ترین شکل تعامل انسانی، ارتباطی است که بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی می‌شود (Jafari & Liaqat Dar, 2013). داشتن روحیه پرسشگری در دانش‌آموزان از مسائل مهم آموزش و پرورش عصر کنونی است. هر تزلزل روحیه پژوهشگری را روش فکر کردن و نگرش علمی می‌داند که مهم‌ترین ویژگی در این روحیه علاقه به دانستن است (Hosseinzadeh Bahraini, 2018). در عصر حاضر، روحیه پژوهش به تمایل برای دسترسی به اطیعات و توانایی‌های انتقادی معنا شده است (Aito, Aito & Nishada, 2011). روحیه پژوهشگری شامل مولفه‌های کنجکاوی، پشتکار، مدیریت اعمال تکانشی و توانایی انجام کار گروهی است. کنجکاوی: اشتیاق برای دانستن، پرسش کردن و پیش قدم شدن برای حل مسئله و تحقیق است، پشتکار: به معنی خوب به پایان رساندن کار است، یعنی با دقت به یک روش ارزشمند پایبند بودن. مدیریت اعمال تکانشی: به عمل یا رفتاری گفته می‌شود که در پی محرکی بدون اندیشه، کنترل و جهت‌گیری هوشیار فعال می‌شود. توانایی انجام کار گروهی: دانش‌آموزی که روحیه پژوهشی دارد، می‌آموزد که به نظرات دیگران گوش فرا دهد، آن را بررسی کند و بر اساس تفکر آگاهانه اقدام به پذیرش یا رد آن کند و از به اشتراک گذاشتن دانش خود با دیگران استقبال می‌کند (Shirzad, 2014).

پژوهشگری تحت تأثیر دو بعد شناختی و عاطفی است. در بعد شناختی باید توانایی خلاقیت، حل مسئله، تفکر انتقادی را بیش از قدرت حافظه و به خاطر سپاری دانش‌ها و اطلاعات بارور نماییم و در بعد عاطفی باید طوری محیط، به ویژه محیط آموزشی را تدارک دهیم که رغبت و انگیزه برای پژوهشگر را بیش از حجیم نمودن حافظه افزایش یابد (Abolhosseini, 2017).

یکی از عوامل مهم عدم تمایل به پژوهش و روش علم، عدم وجود روحیه علمی است؛ چراکه بهره‌مندی از روحیه علمی در زمره کلیدی‌ترین ویژگی‌های یک انسان تلقی می‌شود (Shirzad et al, 2016). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در گذشته حدود ۹۳ درصد از سوال‌های معلمان سطح پایین و از نوع دانش محور بوده است که بیشتر بر یادآوری حقایق تأکید داشتند. از این گذشته بررسی‌ها نشان می‌دهد معلمان به طور معمول سوال‌های اندکی مطرح می‌سازند که دانش‌آموزان را به استفاده از مهارت‌های تفکر سطح بالا ترغیب کنند. مسئله دیگر که توجه بسیاری را به خود جلب نموده است، یادگیری خودراهبر است. در این راستا نولز خودراهبری را فرآیندی می‌داند که فراگیران با کمک یا بدون کمک دیگران به تشخیص نیازها، تنظیم اهداف، شناسایی منابع مادی و انسانی برای یادگیری انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب یادگیری و ارزیابی نتایج یادگیری خود پرداخته و ابتکار عمل را به دست می‌گیرند. خودراهبری در یادگیری، بر افزایش انتخاب‌گری، اعتماد به نفس، انگیزه و توسعه‌ی مهارت‌های لازم برای یادگیری مادام‌العمر اثر می‌گذارد. آمادگی برای خودراهبری در یادگیری، به فراگیران اجازه می‌دهد تا برای ادامه‌ی یادگیری به ابتکارات خود متکی باشند (Zare & Nahravanian, 2017).

یادگیری خود راهبر به عنوان یک رفتار یادگیری می‌باشد که راه را برای یادگیری مداوم فراگیران بر اساس ابتکار خودشان هموار می‌سازد. این مدل از یادگیری را می‌توان به عنوان یک هدف، فرایند یا یک خصوصیتی برای فراگیر در نظر گرفت که براساس سبک یادگیری متغیر می‌باشد (Sadeghi & Gashnigani, 2016). مفهوم یادگیری خودراهبر از آموزش بزرگسالان نشأت گرفته است. تئوری یادگیری بالغین بیان می‌کند که بزرگسالان در صورتی که اهداف یادگیری واضح، واقعی و مهم داشته باشند و این اهداف در راستای نیازهای شغلی، حرفه‌ای و شخصی آنها باشد؛ یادگیری بهتر و پایدارتری خواهند داشت. همچنین این تئوری مطرح می‌کند که بزرگسالان عمل‌گرا و مسأله محور بوده و یادگیری‌شان بیشتر درونی است و در یادگیری آنها روش‌های تجربی نسبت به روش‌های غیر فعال مؤثرتر است. به دلیل مزایای مربوط به برآینده یادگیری خودراهبر، محیط‌های آموزشی و سازمانی، به طور جدی بر اهمیت آن تأکید می‌ورزند و ارزش آن به عنوان یک مهارت لازم برای آموزش و کار در قرن بیست و یکم مورد توجه قرار گرفته است (Roberson, 2010).

علم میراثی است که از طریق آموزش به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. توانایی‌ها و استعدادها انسان را از طریق آموزش صحیح می‌توان رشد داد، بنابراین آموزش نقش به‌سزا در سازندگی و بهبودی و تعالی افعال انسان دارد (کاسب نواز، ۱۳۹۷). به هر اندازه که بر میزان دانش بشری افزوده می‌شود، به همان اندازه نیز نیاز به آموزش در میان افراد جامعه بشری بالاتر می‌رود. آموزش مفهومی است که از گذشته‌های دور با بشر و جامعه بشری همراه بوده است، هر آن چه بیشتر زمان می‌گذرد و هر اندازه بیشتر انسان با مفاهیم جدید آشنا می‌شود، جایگاه آموزش بیشتر نمایان می‌گردد (Mahdovinejad et al., 2012)، واژه‌ی آموزش مترادف واژه انگلیسی "instruction" می‌باشد و فعالیتی است که طی آن استعدادهای بالقوه یک فرد پرورش می‌یابد (Afzal Nia, 2009). آموزش در لغت به معنای دانش آموختن و یاد دادن است (Safi, 2018)، معین (2016) آموزش را به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم در برابر تربیت می‌داند، ریگلوث هر چیزی را که هدفمندانه به منظور تسهیل یادگیری صورت می‌گیرد آموزش می‌داند، آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی‌ها، تغییر مهارت‌های دانش، نگرش و رفتار اجتماعی نماید (Seyyed Javadin, 2012) و همچنین فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده از جانب آموزگار یا معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد (Khloud quoted by Ahmadi, 2011). آموزش مجموعه تصمیمات و اقداماتی است که یکی پس از دیگری اتخاذ می‌شود یا انجام می‌گیرد و هدف آن دستیابی هر چه بیشتر فراگیر به هدف‌های آموزشی است (Fardanesh, 2012). آموزش ابزاری است که انسان بوسیله آن به زندگی حرفه‌ای خود شکل می‌دهد و آینده را رقم می‌زند (Khorshidi, 2016). آموزش یکی از مسائل بسیار مهم نظام‌های تعلیم و تربیت است. منظور از آن، فرآیند دو سویه یاددهی یادگیری اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های مثبت درباره موضوعی است که متناسب با گروه سنی خاص و در شرایط زمانی معین به اجرا درآمده است (Akbari Shaldrei, 2018).

در سال ۲۰۰۱ برای اولین بار مقیاس آمادگی برای خودراهبری در یادگیری در مجله آموزش پرستاری منتشر شد. آمادگی فراگیر برای درگیر شدن در یادگیری خودراهبر به عنوان درجه مالکیت نگرش‌ها، توانایی‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت خودراهبری در یادگیری تعریف شده است. بنابراین یکی از مفاهیم مهم در یادگیری، مفهوم یادگیری خودراهبر است.

ریشه‌های یادگیری خودراهبر را در حوزه تعلیم و تربیت میتوان در دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه جان دیویی پیدا کرد. او هشدار می‌دهد که معلم باید راهنمای فراگیران باشد اما نباید در فرایند یادگیری دخالت کند یا آن را کنترل نماید (Williams, 2017; Quoted from)

(Behrangi & Moradi, 2016). خودراهربری یک خصیصه شخصیتی در نظر گرفته می‌شود که برآیند آن فرایند خودراهربری است. این بدین معنی است که عموماً همه ما تا حدی خودراهربر هستیم. یعنی خودراهربری چیزی نیست که تازه کشف شده باشد بلکه از ابتدای خلقت بشر وجود داشته و بشر ذاتاً خودراهربر خلق شده است. اما اینکه هر فرد تا چه حدی با این توانایی خود آشنایی دارد و تا چه حد می‌تواند آن را برای پیشبرد اهداف خود به کار گیرد، می‌تواند در زندگی او تأثیر گذار باشد. به منظور استفاده از روشهای خودراهربر در آموزش، باید میزان آمادگی فراگیران برای خودراهربری در یادگیری سنجیده شود.

روی آورد رایج در فلسفه برای کودکان، افزایش مهارت تفکر انتقادی و اثربخش کودکان را وجهه همت خود می‌داند. مقاله حاضر با به چالش گرفتن مفهوم فلسفه در این روی آورد از فلسفه برای کودکان، جهت گیری تلفیقی را برای آن پیشنهاد می‌کند. تسهیل تجارب فلسفی کودکان و ایجاد زمینه مساعد برای مواجهه آنان با رازها و نیازهای وجودی در تلفیق با افزایش مهارت تفکر منطقی، فلسفه برای کودکان را به اثر بخشی نزدیک و اطلاق فلسفه بر آن را حقیقی می‌کند. تدوین الگوهای آموزشی در فلسفه برای کودکان با چنین رهیافت تلفیقی محتاج مطالعات میان رشته ای است. یکی از مهمترین تلاش‌ها، ایجاد برنامه ای منسجم در آموزش تفکر فلسفه برای کودکان است که ماتیو لیپمن و همکارانش آن را تهیه کرده اند. این برنامه به منظور فراهم کردن برنامه ای تحصیلی در زمینه کاوش فلسفی برای کودکان از سطح کودکان تا دانشگاه تهیه شده است و هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در حال اجرا است (fisher, 2015). فلسفه برای کودکان گرایش نوپایی است که در دهه هفتم سده بیستم میلادی ظهور کرد و در سی و پنج سال اخیر مورد اقبال عام قرار گرفت و بسط و توسعه فراوان یافت. رایجترین روی آورد در فلسفه برای کودکان، رهیافت لیپمن است. لیپمن را مؤسس فلسفه برای کودکان دانسته اند. روی آورد وی امروزه با سبک‌ها، ابزارها و برنامه های متنوعی بکار می‌رود (بعنوان نمونه، مقایسه دو سبک لیپمن و برنی فیه (Amy & Karamelki, 2014). لیپمن (2003) معتقد است که فلسفه برای کودکان اقدامی آموزشی است که به بهبود تفکر در کودکان می‌پردازد و از فلسفه، به منزله شیوه ای برای پرورش تفکر اخلاقی، تفکر انتقادی، و تفکر خلاق بهره می‌برد. لیپمن و همکارانش معتقدند که منظور از آموزش فلسفه به کودکان آموختن روش تفکر سقراطی است. بنابراین، در نظر گرفتن فلسفه در معنایی که حامیان آموزش فلسفه به کودکان آن را دنبال می‌کنند نمونه ای از رویکرد پژوهشی به تعلیم و تربیت است (صفایی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵). زمانی که برنامه فلسفه برای کودکان اجرا می‌شود هدف آن آموزش فلسفه (مجموعه ای از آرای فلسفی به منزله موضوع درسی) به کودکان نیست، بلکه هدف این است که از طریق گفتگوهای کلاسی روش فلسفی را به کودکان آموزش دهد؛ روش فلسفی یعنی روش تحقیق مدلل و تحلیل منطقی که اغلب به منزله روش سقراطی از آن نام برده می‌شود. روش‌های آموزش فلسفه به کودکان، که لیپمن و همکارانش مطرح کرده اند، بر رابطه نزدیک معلم و شاگرد و ایجاد انگیزه برای آغاز بحث و گفتگو از طریق داستان، قطعه شعر، با بیان واقعه ای، و امثال آن تأکید دارد. در این روش، به دانش آموزان فرصت داده می‌شود تا به تفکر بپردازند و سپس وارد گفتگوهای گروهی شوند. این گفتگوها باعث تفکر و تعمق بیشتر می‌شوند و می‌توانند گروه‌های کاوشگر فلسفی را در مسائل گوناگون شکل دهند و مدرسه را به مکانی برای پژوهش و اندیشه‌ورزی تبدیل کنند. در این برنامه دانش آموزان به کاوشگرانی ماهر و جوان تبدیل می‌شوند. کاوشگر بودن مفهوم اصلی این الگوست و مراد از آن جستجوگری فعال بودن و پرسشگری مصر بودن و داشتن هشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات و آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله، تحلیل، و مطرح کردن فرضیه، تجربه، مشاهده، سنجش و امتحان است. در تحلیل هویت معرفتی فلسفه برای کودکان می‌توان از تمایز و یا نسبت آن با فلسفه، منطقی و روش تحقیق پرسید. آیا فلسفه برای کودکان هویتا فلسفه است یا منطقی یا روش تحقیق؟ جهت گیری عمده فلسفه برای کودکان چیست؟ اگر بخواهیم فلسفه برای کودکان را بطریق بیان هدف و تعریف غایی بشناسانیم، آن را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ جهت گیری عمده فلسفه برای کودکان را بیشتر از الگوی لیپمن آشکار می‌سازد و در نهایت به مفهوم سازی نوین و کامل تری از فلسفه برای کودکان می‌انجامد.

ویلیامز (1993) تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در ۲۷ جلسه آموزشی را بر روی ۱۵ دانش آموز ۱۰ - ۱۳ ساله مقایسه و با یک گروه ۱۷ نفره از دانش آموزانی که در برنامه فلسفه برای کودکان شرکت نکرده بودند، سنجید. در پایان دوره معلمان بهبود قابل ملاحظه ای در روحیه جست و جوگری و پرسشگری را در بین دانش آموزان اعلام نمودند.

مهتا و وایتبرید (2005) بر روی ۵۰ کودک (۲۶ پسر و ۲۴ دختر) ۱۳-۱۲ ساله، برای سنجش آموزش فلسفه بر یادگیری خودراهربر انجام دادند، مشخص شد که آموزش فلسفه به کودکان، تأثیر مثبتی بر یادگیری خودراهربر و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان گردیده است.

رزنیس کایا (2008) در مطالعه خود تحت عنوان بحث های فلسفی در کلاس درس مدارس ابتدایی، به تأثیر مباحث فلسفی به روش اجتماع پژوهشی، بر پرورش مهارت های استدلالی و روحیه جستجوگری اشاره می‌کند. وی با انتخاب دو کلاس به شیوه تصادفی (از شش مدرسه ابتدایی در نیوجرسی) که یکی به روش سنتی و دیگری به شیوه اجتماع پژوهشی اداره می‌شد، به این نتیجه رسید که کنش های

مکالمه‌ای و مباحث فلسفی بر روی گروه شرکت کننده در کلاس کاوش گری فلسفی، تأثیر بسزایی در افزایش مهارت‌ها استدلالی، عملکردهای اجتماعی و روحیه کاوشگری آنها داشته است.

موریس (2017) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودک ایده آل فیلسوف انجام گرفت، نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در شکل‌گیری تفکر در کودکان مؤثر باشد و همچنین این برنامه آموزشی در کمک به مربیان آموزش‌های خود می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

کیذل (2018) پژوهشی با عنوان فلسفه با کودکان به عنوان یک پلت فرم آموزشی برای یادگیری خودمختار انجام داد. این مقاله یک چارچوب نظری برای درک کاربرد و ارتباط فلسفه با کودکان در داخل و خارج از مدارس به عنوان یک پلت فرم برای یادگیری خود تنظیم در راستای تحولات 40 سال گذشته بر اساس نوشته‌های فلسفی لیپمن، به ویژه ایده هایش در مورد جستجو برای معنا، فلسفه را با کودکان در شش ابعاد متمایز می‌کند که در مقابل یادگیری انضباطی کلاس‌های کلاسیک، حمایت از "آموزش و پرورش جستجو" جایگزین "آموزش و پرورش ترس" که بر سیستم‌های یادگیری سنتی حکمرانی می‌کند.

عبداله پور بنه و همکاران (2013) پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش فلسفه بر مهارت‌های پرسشگری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ناحیه دو قزوین انجام داد. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته، روش تحقیق آزمایشی و نیمه تجربی بود که به روش کندوکاو لیپمن بصورت عملی اجرا گشت و آموزش فلسفه در شانزده جلسه برای تقویت مهارت‌های پرسشگری دانش‌آموزان آموزش داده شد. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم و تعداد نمونه پنجاه نفر که به روش هدفمند انتخاب و به دو گروه ۲۵ نفر آزمایش و گواه تقسیم شدند. جهت تحریک و برانگیختن حس کنجکاوی و پرسشگری دانش‌آموزان که لازمه آموزش فلسفه به کودکان است و برگزاری مباحث فلسفی از داستانهای فکری کم، فیشر، لیزا، لیل و داستانهای اخلاقی ملانصر الدین استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل فرضیه یک پژوهش از آزمون t وابسته و فرضیه دو پژوهش از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد، به این نتایج دست یافتند که بین نمرات پیش آزمون گروه کنترل و پس آزمون گروه آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد و یافته‌های پژوهش بیانگر این است که آموزش فلسفه موجب تقویت مهارت‌های پرسشگری، تفکر انتقادی، همکاری گروهی، فرضیه‌سازی، مهارت گفتاری، دقت و تمرکز ... شده و تأثیر مثبت داشته است.

نتایج حاصل از تحقیق رحمتی و خالق خواه (2015) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر داستان‌های فلسفی بر روحیه پرسشگری کودکان، گویای آن است که بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون مهارت‌های پرسشگری کودکانی که در دوره داستان‌های فلسفی شرکت کردند تفاوت معناداری وجود دارد.

مسروری ثانی و اکبری (2015) نیز در پژوهش خود با عنوان تأثیر داستان‌های فلسفی بر افزایش گرایش به روحیه پرسش‌گری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی، به این نتیجه می‌رسند که داستان‌های فلسفی بر افزایش گرایش به روحیه پرسشگری دانش‌آموزان پسر پایه ششم تأثیر معناداری دارد.

یافته‌های پژوهش مرادی و همکاران (2016) با عنوان تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در پرورش روحیه پرسشگری دانش‌آموزان ابتدایی، اعتبار و اعتماد پذیری برنامه فلسفه برای کودکان را در پرورش روحیه پرسشگری دانش‌آموزان ابتدایی، اعتبار و اعتماد پذیری برنامه فلسفه برای کودکان را در پرورش روحیه پرسشگری و مؤلفه‌های آنها را تأیید کرد.

نتایج پژوهش بهرنگی و مرادی (2016) با عنوان بررسی میزان خودراهبری دانش‌جویان متأثر از درس اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، حاکی از آن است که تدریس اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت با الگوی مدیریت آموزش بر یادگیری خود راهبر دانش‌جویان دانشگاه آزاد تأثیر معنی‌دار مثبتی دارد.

بهرامی و علیشاه (2017) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر روحیه پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان ساری، به این نتیجه می‌رسند که نوع روش تدریس معلم، حس اعتماد به نفس، پرورش تفکر انتقادی، جو حاکم بر کلاس درس بر روحیه پرسشگری دانش‌آموزان مؤثر بود ولی خلاقیت معلم بر روحیه پرسشگری تأثیری نداشت.

پناهی (2017) طی پژوهشی تحت عنوان تبیین نسبت فلسفه برای کودکان و فلسفه یادگیری انسان با تأکید بر دیدگاه وینچ، نشان می‌دهد که از جهات اهمیت کنجکاوی در یادگیری، پرسشگری، توانا دیدگاه‌گیری، قابلیت پرورش مهارت‌ها، پژوهش محوری، نقش تسهیل‌گر و دانش آموز، اجتماعی بودن یادگیری و کاوشگری اخلاقی، بین فلسفه یادگیری با برنامه فلسفه برای کودکان، سنخیت وجود دارد. علاوه بر این در تحلیل دیدگاه وینچ در خصوص فلسفه یادگیری و ارتباط آن با سایر رویکردهای روانشناسی، مشخص گردید که علیرغم تأکید رفتارگرایان بر رفتار آشکار موجودات زنده و تأکید شناخت‌گرایان بر فرایندهای شناختی، وینچ با یک دیدگاه کل‌گرایانه، با جداسازی ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری در انسان مخالف است. وینچ همانند رفتارگرایان با مفهوم تربیت موافق است؛ اما برداشت وی از تربیت با آنچه مورد نظر رفتارگرایی است، متفاوت می‌باشد. همچنین وی بر اهمیت تأثیر توجه و تفکر در یادگیری تأکید می‌کند و این همان چیزی است

که به صورت برجسته در نظریه‌های شناختی و به صورت کم رنگ تر در نظریه‌های رفتاری نیز دیده می‌شود. همچنین، در تحلیل نسبت میان برنامه فلسفه برای کودکان، با فلسفه یادگیری وینچ، مشخص شد که بین این دو دیدگاه، وجوه مشترکی در زمینه اهمیت تفکر، جامع نگری در ارتباط با یادگیری، اجتماعی بودن یادگیری، توجه به بعد اخلاقی، اعتقاد بر قابلیت پرورش مهارت‌ها و توجه به دوران کودکی، وجود دارد. همچنین در بررسی نسبت برنامه فلسفه برای کودکان با فلسفه یادگیری وینچ، مطابقت میان اهداف این دو دیدگاه نیز بررسی شد. علاوه بر نسبت تشابه میان این دو دیدگاه، برخی وجوه افتراقی میان برنامه فلسفه برای کودکان با فلسفه یادگیری وینچ در زمینه‌های یادگیری، واقعیت، دانش، رابطه ارزش و واقعیت و تربیت اخلاقی نیز استنباط گردید.

یافته‌های پژوهش حسینی (2018) با عنوان تحلیل و تبیین فلسفی نقش یادگیری تفکر فلسفی در یادگیری تفکر ریاضی وار، نشان می‌دهد که فرآیندهای تفکر فلسفی و تفکر ریاضی وار شباهت فراوانی با هم دارند و بهره‌گیری هوشمندانه از فرآیندهای تفکر فلسفی می‌تواند در فهم و حل مسائل ریاضی ثمربخش باشد، همچنین فضایی که برنامه‌های یادگیری تفکر فلسفی مانند فلسفه برای کودکان فراهم آورند برای تقویت تفکر ریاضی‌وار ایده آل است. با این اوصاف شاید بتوان بر سر در رده‌های ریاضی نوشت: هرکس فلسفیدن نمی‌داند وارد نشود.

اهداف پژوهش:

- بررسی تأثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی
- بررسی تأثیر آموزش داستان‌های فلسفی یادگیری خودراهبر

فرضیه‌های پژوهش:

- آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی موثر است.
- آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر موثر است.

روش شناسی پژوهش

هدف از پژوهش حاضر تأثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشگری و یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی بود. روش پژوهش از نوع نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بوده است جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی شهر مرودشت بود. برای حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۵۰ دانش‌آموز انتخاب و در دو گروه آزمایش (۲۵ نفر) و کنترل (۲۵ نفر) جایگزین شدند و با دو پرسشنامه روحیه پژوهشی شیرزاد و پرسشنامه یادگیری خودراهبر فیشر و همکاران مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت، که در زیر به تبیین نتایج به دست آمده پرداخته شده است.

یافته‌ها

پیش از اجرای تحلیل کواریانس باید شرط برابری واریانس نمرات گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همچنین شرکت همگنی شیب خط رگرسیون نمرات گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون بررسی شود که نتایج به دست آمده در جداول زیر قابل مشاهده است.

جدول 1- آزمون همگنی شیب خط رگرسیون نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیر روحیه پژوهشی

P	آماره آزمون	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/03	5/12	21/57	1	21/57	اثر متغیر مستقل
0/001	812/34	3251/32	1	3251/32	پیش‌آزمون روحیه پژوهشی
0/15	2/23	7/53	1	7/53	اثر تعاملی متغیر مستقل و پیش‌آزمون روحیه پژوهشی
-----	-----	3/76	47	132/94	خطا
-----	-----	-----	50	4554/78	کل تصحیح شده

همانطور که در ردیف سوم جدول 1 مشاهده می‌شود، مقدار آماره برابر با $2/23$ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (1،50) در سطح 0/15 معنادار گردیده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که شرط برابری شیب خط رگرسیون برای تحلیل کواریانس در مورد این متغیر برقرار است.

جدول 2- آزمون همگنی شیب خط رگرسیون نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیر یادگیری خودراهبر

P	آماره آزمون	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/01	32/01	634/95	1	634/95	اثر متغیر مستقل
0/04	12/72	2317/425	1	2317/425	پیش‌آزمون یادگیری خودراهبر
0/08	3/37	1019/425	1	1019/425	اثر تعاملی متغیر مستقل و پیش‌آزمون یادگیری خودراهبر
-----	-----	5941/9	47	5941/9	خطا
-----	-----	-----	50	707327/00	کل تصحیح شده

همانطور که در ردیف سوم جدول 2 مشاهده می‌شود، مقدار آماره برابر با $3/37$ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (1،50) در سطح 0/08 معنادار گردیده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که شرط برابری شیب خط رگرسیون برای تحلیل کواریانس در مورد این متغیر برقرار است.

جدول 3- آزمون برابری واریانس نمرات گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون برای متغیرهای روحیه پژوهشی و یادگیری خودراهبر

P	مقدار آماره	درجه آزادی	متغیرها
0/92	0/01	1،49	روحیه پژوهشی
0/36	0/082	1،49	یادگیری خودراهبر

همانطور که در جدول 3 مشاهده می‌شود، سطح معناداری تمام مقادیر F بیشتر از 0/05 گردیده، بنابراین شرط برابری واریانس برقرار است.

جدول 4- آزمون تحلیل کواریانس جهت تعیین تاثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/001	992/96	3512/34	1	3512/34	روحیه پژوهشی در پس‌آزمون
0/001	71/25	253/36	1	291/25	اثر متغیر مستقل
-----	-----	3/91	48	153/33	خطا
-----	-----	-----	50	4554/78	کل تصحیح شده

همانگونه که در ردیف دوم جدول 4 قابل مشاهده است، مقدار F برابر با $71/25$ گردیده که با درجات آزادی (1،50) در سطح 0/001 معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان روحیه پژوهشی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد، به عبارتی آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی دانش‌آموزان تاثیر معنادار دارد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

جدول 5- آزمون تحلیل کواریانس جهت تعیین تاثیر آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/001	18/6	2317/05	1	2317/05	یادگیری خودراهبر در پس‌آزمون
0/001	127/7	15873/753	1	15873/753	اثر متغیر مستقل
-----	-----	124/296	48	5841/91	خطا
-----	-----	-----	50	707327/00	کل تصحیح شده

همانگونه که در ردیف دوم جدول 5 مشاهده می‌گردد مقدار F برابر با 127/07 گردیده که با درجات آزادی (1،50) در سطح 0/001 معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان یادگیری خودراهبر گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد به عبارتی آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که بین میزان روحیه پژوهشی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد، به عبارتی آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد. این یافته‌ها را می‌توان چنین تبیین نمود که آموزش داستان‌های فلسفی، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا بین موضوعات مختلفی که می‌آموزند، ارتباط برقرار کنند. بنابراین برنامه درسی برای آنان پرمعناترین خواهد شد. هم مهارت‌های همکاری و هم مهارت‌های تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، همچنین سبب بهبود مهارت‌های حل مسئله و پرسشگری آنها بیشتر می‌گردد. بر این اساس می‌تواند روحیه پژوهشی را در دانش‌آموزان تقویت نماید. در واقع با شرکت کودکان در جستجویی برای معنا و بسط و توسعه قوای ادراکی و فهم آنها از مطالب، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی در آنان افزایش یافته و سبب ارتقای روحیه پژوهشگری در آنها می‌شود. آموزش داستان‌های فلسفی به دانش‌آموزان نوعی پرورش تفکر فلسفی است. یافته‌ها نشان داد که بین میزان یادگیری خودراهبر گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارتی آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان تأثیر معنا دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که بهره‌گیری از داستان‌های فلسفی کودکان را به پرسش کردن، بررسی پیامدها و پیش‌فرض‌ها، استفاده از ملاک‌ها و کاوش نظرهای گوناگون دعوت می‌کنند. دانش‌آموزانی که از این داستان‌های فلسفی استفاده کرده‌اند، برای خود و برای یادگیری خود، ارزش قائل هستند و دارای اعتمادبه‌نفس بهتری هستند و در کلاس پرس و جو می‌کنند و تعادل گروهی مناسب دارند، و موجب شده است راهبردهای یادگیری آنها بر اثر رشد انواع مهارت‌های بسط‌دهی، سازماندهی ذهنی، تفکر انتقادی و خودنظم‌دهی توسعه یابد.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

با توجه به یافته‌ها برای ارتقای روحیه پژوهشی و یادگیری خودراهبر می‌توان پیشنهاد‌های زیر را ارائه داد:

- تدوین و طراحی برنامه درسی فلسفه برای کودکان برای پایه‌های مختلف تحصیلی
- پرداختن به موضوع آموزش فلسفه برای کودکان که در نظام تعلیم و تربیت کمتر به آن توجه شده است.
- طرح و بررسی موضوع آموزش فلسفه برای کودکان در قالب بخشی از نظام رسمی آموزش کشور که علیرغم تمامی تأکیدات، کمتر مورد توجه برنامه ریزان درسی قرار گرفته است.
- تدوین برنامه درسی آموزشی فلسفه برای کودکان دوره ابتدایی
- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی در زمینه آموزش فلسفه
- گنجاندن آموزش فلسفه برای کودکان در دوره‌های دانشگاه فرهنگیان
- آموزش ضمن خدمت: این آموزش باعث می‌شود که آموزگاران برخوردار فعال‌تری در مورد آموزش فلسفه به دانش‌آموزان داشته باشند و در ضمن با تحولات رخ داده در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان نیز آشنا گردند.
- اطلاع‌رسانی و آموزش فلسفه برای کودکان به والدین از طریق بروشور و جزوات آموزشی و برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده
- ایجاد مرکز فلسفه برای کودکان در مدارس

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که آموزش داستان‌های فلسفی بر روحیه پژوهشی دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد و آموزش داستان‌های فلسفی بر یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش سعی بر این شد که آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را بدون استرس و با احساس مسئولیت‌پذیری پاسخ بدهند. به آنها گفته شد که از نوشتن نام و نام خانوادگی خودداری نمایند. همچنین به آنها اعتماد داده شد که پاسخ‌های آنها محرمانه باقی خواهد ماند.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی: مریم سلطانی؛ روش شناسی و تحلیل داده‌ها: مریم سلطانی؛ نظارت و نگارش نهایی: مریم سلطانی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abolhosseini, Mansoura. (2017). Comparison of philosophical mentality and research spirit of third grade male and female students Birjand city smart and normal secondary schools. Master's thesis of Birjand University, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Faculty of Educational Sciences, Curriculum Planning. In persian
- Ahmadi, Mohammad; Alvand, Hossein; Fariban heroism, Maryam. (2011). Examining the effect of specialized courses. The policing field of the associate course approved by the University of policing sciences on the performance of the graduates, Human Resource Management Development Quarterly, 6(22), 74-91. In persian
- Afzal Niya, Mohammad Reza. (2009). Design and familiarization with learning centers, materials and resources, Tehran, Samit Publications. In persian
- Akbari Shalderaei, Fereydoun, (2018). New methods of teaching and learning and their application in education, Tehran Fartab Publications. In persian
- Amy, Zahra; Faramarz Qaramelki, Ahad. (2015). Comparison of two styles Lippman and Bernie Feh in philosophy for children. New Religious Thought, 2, 74-92. In persian
- Bahrami, Shahla and Alisha, Mehdi. (2017). Factors affecting the questioning spirit of primary school students in the city Sari. The second national conference of new approaches in education and research. In persian
- Behrangi, Mohammadreza and Moradi, Amir (2016). Investigating the degree of self-management of students affected by the management model Education based on cooperative teaching (jig-saw) in the course of principles and philosophy of education, quarterly Scientific-research of a new approach in educational management, 8 (32), 107-128. In persian
- Panahi, Gholamhasan. (2017). Explaining the relationship between philosophy for children and the philosophy of human learning with an emphasis on perspective winch Doctoral dissertation of Khwarazmi University, Faculty of Psychology and Educational Sciences, in the field of philosophy of education. In persian
- Jafari, Fatemeh and Liaqat Dar, Mohammad Javad. (2013). The spirit of questioning factors and the fields of its realization. Technology Education, 1 (29), 17-14. In persian
- Hosseinzadeh Bahraini, Fatima. (2018). The role of the transformative function of the family on the research spirit of students. Master's thesis of Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Educational Sciences and Psychology, field of educational research. In persian
- Hosseini, Mohammad. (2018). Philosophical analysis and explanation of the role of learning philosophical thinking in learning mathematical thinking. Master thesis of Tarbiat Modares University. In persian
- Khorshidi, Yas (2016). Teaching methods and techniques, Tehran, Yastroun publishing house. In persian
- Rahmati, Zakia and Khaliq Khah, Ali. (2015). Investigating the effect of philosophical stories on children's questioning spirit. National conference on education and development of human resources. In persian

Zare, Hossein and Nahravanian, Parvaneh. (2017). The effect of critical thinking training on problem solving styles and self-directed learning. *Cognitive Science News*, 19 (2), 85-96. In persian

Seyed Javadin, Seyed Reza. (2012). Fundamentals and applications of human resources management and employee affairs, Tehran, Negah. In persian

Shirzad, Zainab. (2014). Construction and validation of the research spirit scale for high school female students in Mashhad. Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad. In persian

Shirzad, Zainab; Mehram, Behrouz and Karsheki, Hossein. (2016). Constructing validation of the research spirit scale for high school female students in Mashhad. *Educational Measurement Quarterly of Allameh Tabatabai University*, 6 (23), 117-139. In persian

Sadeghi, Massoud; Khalili Ghasnigani, Zahra. (2016). The role of self-directed learning dimensions in predicting the academic vitality of Lorestan University of Medical Sciences students, *Research in Medical Sciences Education*, 8 (2), 9-17. In persian

Safi, Ahmed. (2018). Elementary, middle and high school education, Tehran: Semit. In persian

Safai Moghadam, Massoud; Marashi, Seyyed Mansour; Paksresht, Mohammad Jafar; Bagheri, Khosrow; Thank you, Hossein. (2016). Investigating the effect of the research community method in the program of teaching philosophy to children on the development of reasoning skills of third-grade male middle school students of Ahvaz State Model School, *Journal of Educational Sciences of Shahid Chamran University*, 3(2), 74-89. In persian

Abdullah Pourbaneh Khalkhal, Roya; Moghads Jafari, Mohammad Taghi; Karmipour Shamsabadi, Mohammad Reza. (2013). Check. The effect of teaching philosophy on improving the questioning and critical thinking skills of fifth grade female students. *Philosophy and Children*, 2 (4), 37-50. In persian

Fardanesh, Hashem (2012). Basics and approaches of educational design, Tehran: Semit.

Fisher, Robert. (2015). Teaching thinking to children (translated by Masoud Safai Moghadam and Afshana Najarian). Ahvaz: Resh. In persian

Qaidi, Yahya. (2014). Teaching Philosophy to Children, Examining Theoretical Foundations, Tehran: Devavin Publishing Institute. In persian

Kaseb Nawaz, Shahram. (2018). Investigating the effect of internal educational periods (non-continuous bachelor's degree and bachelor's degree) on the performance of Naja headquarters staff, the end of the master's degree approval of the University of Police Sciences. In persian

Golshan Abadi, Asia (2013). Investigating the efficiency of smart schools in strengthening the ability to explore knowledge Students from the perspective of teachers and principals of elementary school in Kashmer city. Master's thesis of Tarbiat Moalem University - Tehran, Faculty of Educational Sciences and Psychology. In persian

Moradi, Masoud; Zahid Bablan, Adel; Tabari, Mahdia and Khaliqkhal, Ali. (2016). The effect of philosophical stories on the questioning spirit of elementary school students of Babol city. The first international conference on new researches in field of educational sciences and psychology and social studies of Iran. In persian

Masrouri Thani, Saeed and Akbari, Ahmad. (2015). The effect of philosophical stories on the increase Tendency to questioning spirit of sixth grade male students, National Conference of Elementary Education. In persian

Moin, Mohammad (2016). Farsi culture, compiled by Azizullah Alizadeh, Tehran: Rah Rushd. In persian

- Mahdovinejad, Mohammad Javad; remain Mohammad Reza; Issi, Masoumeh (2012). Providing the best models and methods Transforming the city of Tehran into a teaching city by emphasizing the principles and global experiences of urban management. 14, 83-106. In persian
- Mehrinejad, Abulqasem, Sharifi, Hassan Pasha. (2014). Investigating the effectiveness of teaching by problem solving method and Evaluation based on research indicators in developing research spirit, Educational Innovations Yearbook, 14, 114-139. In persian
- Turans. (1985), Schience. Education primary school, paul champ man publishing I t d.
- Williams, P John, Nguyen, Nhung, Mangan, Jenny. (2017). Using Technology to Support Science Inquiry Learning. Journal of Technology and Science Education, 7(1), 26-57.
- Lipman, M. (2003). Thinking in Education, Cambridge University Press Lawrence J. Ashford K, Dent P. Gender differences in coping strategies of undergraduate students and their impact on self-esteem and attainment. Learn Higher Educ. 2006; 7: 273-81.
- Ito, K., Ito, K. Nishida, SH. (2011). Method for cultivating the "inquiry-mindset" using the information access-based belief bias parameter. HCII'11 Proceedings of the 14th international conference on Human-computer interaction: users and applications, 4:48-57.
- Kizel, A. (2018). Philosophy with Children as an educational platform for self-determined learning. Cogent Education, 3(1), 1244026.
- Mehta, S. and D, whiebeard. (2005). Philosophy for Childe rn and Moral Development in India, New York: Cambridge University, 21 (3), 14 - 25.
- Murris, K. (2017). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. Studies in Philosophy and Education, 35(1), 63-78.
- Reznitskaya, A. (2008), Philosophical Discussions in Elementary School Classrooms: Theory, Pedagogy, Research, Montclair State, University, New Jersey, USA.
- Roberson E.W. (2010) What is the relationship between emotional intelligence and administrative advancement in an urban school division? A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy at Virginia Commonwealth University.
- Williams, S, (1993). E valueting the Effects of Philosophical Enquiry in a Secondary School, Derbyshire, England, Derbyshire.